

اعمال مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان؛ پیامدها، چالش‌ها و راهکارها

محمد یکرنگی^۱، فاطمه اسعدی^۲، مهیاراصلاحی^۳

چکیده

نگرش جدید به بزهکاری اطفال و نوجوانان در یک قرن اخیر، باعث نگرش افتراقی در برخورد با آنان شده است. این برخورد افتراقی با ایجاد مقررات خاص برای اطفال و نوجوانان بزهکار و منع اعمال برخی مقررات مانند منع اعمال مقررات تکرار، خود را نمایان ساخته است. با این حال، در سکوت مقررات خاص، مراجعه به مقررات عام به شرط انطباق با مصالح عالی کودک، ممکن می‌باشد. نظارت تحت سامانه‌های الکترونیکی از جمله مواردی است که در نظام‌های مختلف از جمله آمریکا و انگلستان برای اطفال پیش‌بینی شده است. با این وجود، حقوق ایران در خصوص اعمال خاص آن بر اطفال و نوجوانان ساکت است و از این رو، اعمال آن با ابهام‌هایی از قبیل تعیین محدوده اعمال، امکان اعمال بر کانون اصلاح و تربیت، امکان اعمال بر محکومان کانون به علت ارتکاب جرم حدی مشمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و همچنین امکان بهره از این نهاد در مقام صدور قرار تأمین کیفری برای نوجوانان مواجه است. مقاله حاضر پس از بررسی این موارد به روش توصیفی تحلیلی، نتیجه می‌گیرد که با توجه به اصل رعایت منافع عالی کودک، امکان اعمال نظارت تحت سامانه الکترونیکی به عنوان شیوه‌ای از اعمال کیفر و یا در مقام صدور قرار تأمین فراهم است. **واژگان کلیدی:** آزادی مشروط، قرار تأمین کیفری، کانون اصلاح و تربیت، مصالح عالی طفل و نوجوان، نظارت الکترونیکی.

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
yekranghi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
fateme.asadi.1120@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسوول)
mahyareslahi2000@gmail.com

درآمد

گذار از سیاه چاله‌هایی که مجرمان را چون بیماران مسری برای عدم سرایت بزه به دیگران و آزار دیدن بدان می‌انداختند به زندان‌های مدرن با هدف اصلاح و بازپروری بزهکاران و از آن به نهادهای ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و نظارت الکترونیکی حاصل تحول اندیشه در نهاد کیفر بوده است. گذر از زمانی که بدن مجرم هدف کیفر بود به زمانی که روان وی موضوع کیفر قرار گرفت، باعث شد نظام کیفری سازکارهایی مناسب برای اجرای این هدف تعیین کند. اگر چه نظارت بر بزهکاران و زندانیان به عنوان یک رشته مطالعاتی نسبتاً نوین شناخته می‌شود؛ لیکن زمینه‌های نظری نظارت بر بزهکاران و زندانیان با طرح زندان «سراسرنگر»^۱ جرمی بنتام^۲ در قرن هجدهم شکل گرفت. مطابق این طرح، زندانیان در سلول‌هایی که بر حول یک محور مرکزی ساخته شده‌اند و در مرکز این محور یک نگهبان می‌تواند همه را دائماً مراقبت کند، جای داده می‌شوند. بنتام معتقد بود که نظارت پایدار و مستمر می‌تواند موجب نظم و انطباق‌پذیری زندانیان شود (Arnett, 2018: 401). با این حال، اگر چه طرح بنتام جامه عمل نپوشید؛ لیکن زمینه‌های نظارت بر بزهکاران در خارج از زندان را فراهم کرد. این تحولات که در قالب دو نسل قابل بررسی است، پیامدهای ناکامی زندان در تحقق اهداف مجازات بود. زندان‌ها که در نیمه دوم قرن هجدهم جایگاه ثابت خود در زرادخانه حقوق کیفری را پیدا کردند و به عقیده میشل فوکو^۳ تمرکز بر کیفر را از مجازات‌های بدنی به مجازات‌های تأثیرگذار بر روان فرد تغییر دادند (فوکو، ۱۳۹۵: ۲۸۳-۲۸۴)،^۴ نهایتاً در تحقق رؤیای خود یعنی اصلاح و بازدارندگی مجرمان، با شکست مواجه شدند. علت این ناکامی، هزینه‌های سوسام‌آور و ناکارآمدی زندان در اصلاح مجرمان^۵ ذکر

1. Panopticon

2. Jeremy Bentham

3. Michel foucault

۴. فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه»، به تفصیل ظهور زندان به عنوان عضو اصلی زرادخانه کیفری را تشریح می‌کند. بدین منظور بنگرید به: (فوکو، ۱۳۹۳).

۵. شاید شیواترین توصیف از وضعیت ناگوار زندان از آن مارک آنسل باشد. وی در کتاب دفاع اجتماعی زندان را چنین توصیف می‌کند: «زندان، دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است، یعنی برای آن ایجاد شده، ارائه نمی‌دهد. هدف انسان‌های سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجه‌هایی را منظور کرده بودند، آن بود که مجازات یاد شده جنبه عبرت‌انگیز به خود گیرد، انسان‌های سده

شد. به همین منظور، اقدام به حبس‌زدایی^۱ و توسل به مجازات‌های جایگزین که در قالب دو نسل قابل شناسایی است، آغاز شد. نسل نخست، نسل جایگزینی کیفر حبس با کیفرهای نظارت‌مدار سستی بود؛ بدین صورت که کیفرهایی همچون حبس خانگی و آزادی تحت نظارت و هدایت^۲، به عنوان کیفری اقتصادی و اجتماع‌مدار، جایگزین حبس در جرایم خرد شدند.

نسل دوم که تحت عنوان «نسل جدید نظارت» بر بزهکاران قابل شناسایی است، در نتیجه انقلاب الکترونیک و متعاقباً پیشرفت تکنولوژی، مصداق نوینی از کیفرهای نظارت‌محور را وارد ادبیات حقوق کیفری نمود. اندیشه طراحی و کاربست دستگاه‌های نظارت الکترونیکی^۳ به عنوان جایگزینی کم‌هزینه که نسبت به تعویق مراقبتی مداخله‌گرایانه‌تر است، در سال ۱۹۶۴ توسط رالف شوارتزگبل^۴ مطرح شد و پس از انبوه‌سازی و تولید دستگاه‌های نظارت الکترونیکی در دهه ۱۹۸۰، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی به عنوان یکی از ابزارهای کنترلی در تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، حبس‌های خانگی و همچنین به عنوان کیفری مستقل مورد توجه قرار گرفت (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

این اقدام به سه دلیل با اقبال دستگاه عدالت کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان برخی نظام‌های حقوقی مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان روبه‌رو شد. نخستین دلیل ناکارآمدی عدالت کیفری وقت بود (Sanger & Janine, 2006).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوزدهم را نظر بر آن بود که زندان انفرادی، اسباب ندامت محکوم را فراهم می‌سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافت‌مندانه یاری می‌دهد، انسان‌های سده بیستم نیز زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند، ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است. زندان ضمن آن‌که باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است.» (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷).

1. Decarceration

۲. این روش نخستین بار در سال ۱۸۴۰ میلادی در انگلستان به کار بسته شد؛ بدین صورت که اطفال کمتر از ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرایم مستوجب اعدام، به جایگزینی از اعدام، تحت هدایت و حمایت روحانیون مسیحی قرار می‌گرفتند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: دانش، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۸).

3. Electronic Monitoring (EM)

4. Ralph Schwitzgebel

نام خانوادگی «Schwitzgebel» در سال ۱۹۸۲ به «Gable» تغییر یافت.

29). از این رو، زندان به مثابه مدرسه جرم‌آموزی^۱ مانع حصول اهداف مجازات می‌شود. دلیل دوم، هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت بود؛ بدین صورت که در برخی شهرهای کوچک و کم جمعیت ایالات متحده آمریکا هزینه سالانه نوجوانان بابت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به دو میلیون دلار می‌رسید (Michael T & Charles, 1989:166). دلیل سوم، ظهور و نضج اندیشه‌های مربوط به کاربست عدالت کیفری رشدمدار در خصوص اطفال و نوجوانان بود که با تمرکز بر اقداماتی همچون قضازدایی، حبس‌زدایی و پرهیز از برجسب‌زنی، واکنش به بزهکاری نوجوانان را در پرتو رویکردی افتراقی جست‌وجو می‌نماید. به همین سبب و با توجه به بند ب ماده ۳۷ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹،^۲ جدایی نوجوان از خانواده خویش و انتقال او به مراکز نگهداری باید به عنوان آخرین راهکار اعمال شود.

نظام عدالت کیفری ایران نیز در بستر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ قدم در مسیر تحول نهاد و نظارت الکترونیکی را وارد ادبیات حقوق کیفری ایران نمود؛ بدین صورت که ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی متضمن استفاده از نظارت الکترونیکی به عنوان عضوی از زرادخانه کیفری و بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری متضمن بهره‌مندی از نظارت الکترونیکی به عنوان تضمین اجرای قرار تأمین کیفری است.

با این وجود، گرچه اقدام مقنن در جهت پذیرش نظارت الکترونیکی درخور تحسین است؛ لیکن ابهاماتی در خصوص حدود و ثغور اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص بزرگسالان و نوجوانان وجود دارد.

این نوشتار درصدد تبیین وضعیت موجود و ترسیم وضعیت مطلوب در ارتباط با اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان، در بستری توصیفی و تحلیلی و با استفاده از تجربه سایر کشورها، ابتدا به تحلیل پیامدهای اعمال نظارت

۱. مسأله جرم‌زا بودن زندان به میزانی نقل محافل دانشگاهی بود که کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی

۱۹۵۰ پاریس برنامه کاری خود را بحث پیرامون جرم‌زایی زندان تنظیم کرد.

۲. «هیچ کودکی به‌طور غیرقانونی یا خودسرانه از آزادی محروم نمی‌شود. دستگیری یا بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راهکار و برای کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد.»

الکترونیکی نسبت به اطفال و نوجوانان و سپس به تدقیق در خصوص امکان‌سنجی و چالش‌های اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص طفل یا نوجوان مطابق قانون کیفری ایران می‌پردازد.

۱. پیشینه و پیامدهای اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال

نوجوانان

شوینزگبل با همکاری ویلیام اس هرد^۱ برای اولین بار سیستم نظارت الکترونیکی را در دانشگاه هاروارد ابداع نمود (Ralph & Robert Gable, 2008: 1). بدین صورت که نظارت الکترونیکی در آغاز نسبت به اطفال بزهکار به کار گرفته شد و مناطق جغرافیایی مورد تجویز برای رفت و آمد اطفال به همراه دستگاه‌های تکرار کننده مجهز شدند. در این نظام اجرایی هر شخص یک دستگاه یک کیلویی ردیابی را می‌پوشید که قادر به ردیابی تا چهارصد متر دورتر از دستگاه‌های سیگنال‌دهی بود (فروغی و ایرانی، ۱۳۹۵: ۶۰۴).

با این حال، اولین استفاده قضایی از سامانه‌های نظارت الکترونیکی در ایالت نیومکزیکوی آمریکا توسط قاضی جک لاو^۲ صورت پذیرفت. با ابتنا بر ازدحام جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های گزاف اعمال حبس، جک لاو در سال ۱۹۷۹ با الهام گرفتن از کمیک و فیلم سینمایی مرد عنکبوتی، در صدد متقاعد ساختن شرکت‌های تولید ابزار نظارت‌های الکترونیکی (Black & smith, 2003: 1). به موازات ایالات متحده آمریکا، انگلستان نیز با اعتقاد به مدل رشد‌مدار عدالت کیفری اطفال، در صدد محدود نمودن کیفر زندان برای اطفال و نوجوانان بود. ویژگی‌های اساسی مدل رشد‌مدار عدالت کیفری که به‌طور خلاصه چهار اصل پایه‌ریزی شده بود، عبارت است از: نخست، جرم بخشی از مرحله سرکشی و ناسازگاری نوجوان محسوب می‌شود؛ بنابراین اغلب جوانان در اوضاع و احوال عادی، با پایان یافتن دوره نوجوانی احتمالاً این رفتارها را کنار خواهند گذاشت؛ دوم، پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوان باید غیر رسمی باشد و جنبه انگ‌زنی به خود نگیرد؛ سوم، اگر مداخله رسمی ضروری تشخیص داده شد، باید به میزان حداقل باشد و موجب جدایی طفل و نوجوان از محیط

1. William S. Hurd

2. Jack Love

خانوادگی‌اش نشود؛ در غیر این صورت، باید سازکارهای غیر رسمی مانند پاسخ‌های خانوادگی، آموزشی و مدرسه‌ای در قبال بزهکاری اطفال در اولویت قرار داده شود؛ و چهارم، حبس مانع رشد عاطفی طفل و ورود موزون او به دوره بزرگ‌سالی و بالیدگی می‌شود؛ بنابراین حبس باید برای همه بزهکاران، به جز بزهکاران مقاوم و خطرناک، لغو شود (مهر، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

افزون بر دلایل مذکور، حضور نوجوان در زندان موجب دوری و جدایی وی از جامعه شده که حاصل آن کسب خودپنداره منفی است.^۱ مطابق نظریه «سلسله مراتب نیازها»^۲ که توسط آبراهام مزلو^۳ در مقاله «نظریه‌ای درباره انگیزش انسانی»^۴ مطرح شد، بزهکاری نتیجه برآورده نشدن پنج دسته از نیازهای اساسی انسان است. نیازهای این سلسله مراتب به ترتیبی که باید ارضا شوند عبارت‌اند از: نیازهای جسمانی (فیزیولوژیکی)، نیازهای ایمنی، نیاز به عشق و محبت، نیاز به احترام و نیاز به خودشکوفایی (سلطانی و ازگلی و احمدنیا آلاشتی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۱).

با این حال، نظارت الکترونیکی متضمن فرصت‌های بسیاری برای نقش‌آفرینان دستگاه عدالت کیفری است. مزایایی مانند کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری (ابراهیمی و سلطانی‌فرد، ۱۴۰۳: ۱۹۵) و اجتناب از مخاطرات مراده محبوس با دیگر مجرمان در حبس تا عدم گسست پیوندهای اجتماعی فرد در اجتماع همگی امروزه از امتیازات نظارت الکترونیکی می‌باشد. با این حال، نظر به معایب این نظارت نیز با هدف رفع آن ضروری است؛ لذا، قسمت حاضر مقاله به بررسی این چالش‌ها در کنار مزایای فوق‌الذکر می‌پردازد.

تردید در خصوص استفاده از سامانه‌های مذکور را می‌توان در قالب پرسشی که کیت ویزبرده^۵ در مقاله خود مطرح کرد بیان نمود. مطابق پرسش ویزبرده، اگر برای نوجوان حق انتخاب میان یک روز حبس یا یک روز آزادی تحت نظارت سامانه‌های

۱. طبق یک تحقیق، نوجوانانی که تجربه حضور در زندان یا کانون‌های اصلاح و تربیت را دارند، پنج برابر بیشتر از سایر همسالان خود مستعد خودکشی هستند (Markus Aloyan, 2020: p 112).

2. Hierarchy of Needs

3. Abraham Maslow

4. A Theory of Human Motivation

5. Kate Weisburd

الکترونیکی قائل شویم، عموماً با پاسخ آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مواجه خواهیم شد؛ لیکن در صورتی که مدت نظارت را تا سه ماه افزایش دهیم، آیا پاسخ‌ها یکسان خواهد بود؟ وی به پرسش خویش پاسخ منفی داده و اظهار می‌دارد که پاسخ‌ها متفاوت خواهد بود (Weisburd, 2015: 323).

بر این اساس، برخی از پیامدهای نظارت الکترونیکی عبارت‌اند از: نقض حریم خصوصی محکوم و خانواده وی، بازگشت مجرمان خطرناک به جامعه و ارسال اطلاعات نادرست مبنی بر خروج فرد از محدوده معین شده، گسترش شبکه کنترل اجتماعی و برچسب‌زنی و بدنام‌سازی نوجوان؛ از این رو، به منظور ترسیم وضعیت مطلوب در ارتباط با اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان، شناسایی پیامدهای نظارت الکترونیکی امری ضروری است.

۱-۱. برچسب‌زنی^۱ و بدنام‌سازی

مهم‌ترین چالشی که در ارتباط با کاربری نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان قابل تصور است، برچسب‌زنی و تشهیر اوست. هویت اجتماعی انسان در دو دهه ابتدایی زندگی او شکل می‌گیرد، از این رو، برای نیل به هویت‌یابی، طفل یا نوجوان مبادرت به ایجاد کنش‌های اجتماعی با اعضای خانواده، دوستان و همسالان خود می‌نماید که حسب مورد با پذیرش یا عدم پذیرش از سمت همسالان مواجه می‌شود. عدم پذیرش از جانب همسالان موجب کسب خودپنداره^۲ منفی شده که نتیجه آن بروز مشکلات عدیده‌ای همچون فقدان عزت‌نفس و مشکلات رفتاری و شغلی است. در نتیجه، در صورت عدم پذیرش نوجوان، ارتکاب رفتارهای ضد اجتماعی از جانب وی که موجب انزوای او از جامعه می‌شود اجتناب‌ناپذیر است. از جمله مواردی که می‌تواند موجب عدم پذیرش نوجوان از جانب سایر افراد شود، شناسایی وی به عنوان فردی ضد اجتماعی است. امری که با توسل به نظارت الکترونیکی تسهیل می‌شود؛ زیرا عموماً نظارت با اتصال دستگاه الکترونیکی نسبتاً بزرگ به میچ یا میچ دست نوجوان صورت می‌گیرد که خود منجر به شناسایی وی به عنوان محکوم می‌شود. همچنین در صورتی که دستگاه دیده نشود، اصواتی که از آن

1. Stigmatization

2. Self-Concept

به عنوان اخطار به بیرون مخابره می‌شود می‌تواند موجب شناسایی نوجوان به عنوان فرد محکوم به کیفر شود^۱ (Weisburd, 2015: 330).

مطابق با نظریه «الگوی خود آینه‌ای»^۲ که در سال ۱۹۰۲ توسط چارلز هورتون کولی^۳ ارائه گردید، شخصیت فرد به مثابه آینه‌ای است که تصویر شکل گرفته در آن بازتاب اثرگذاری‌های اجتماع، تعاملات با سایرین، افکار و قضاوت‌های دیگران درباره او است. در این رویکرد، فرد از نحوه بازخورد دیگران به خود می‌آموزد که زشت است یا زیبا، محترم است یا فاقد احترام، مشهور است یا گمنام (محسنی، ۱۳۹۷: ۱۱۸-۱۱۹). چاز آرنِت^۴ در مقاله خود به گفت‌وگو با یکی از اطفال محکوم به نظارت الکترونیکی اشاره کرده است. او تأثیر نظارت الکترونیکی بر اطفال را چنین تشریح می‌کند: «چندی پیش، در سالن دادگاه و زندان اطفال و نوجوان بدم و در آنجا با یک کودک ده ساله گفتگوی بسیار جالبی داشتم. وقتی روی نیکمتهای بیرون دادگاه نشستیم، او پاهای لاغر خود را که به زمین نزدیک هم نمی‌شد تکان داد، به گونه‌ای که می‌توانستید بند سیاهی که با دستگاهی مستطیل شکل به پاهایش وصل شده بود را ببینید. از او پرسیدم که این شصت روز گذشته را به قول خود او با این جعبه روی پایش چگونه گذرانده بود. او به من پاسخ داد که از این کار متنفر است. او گفت وقتی به مدرسه یا کلیسا یا با مادرم به بیرون می‌روم مردم تصور می‌کنند من نوعی هیولا هستم. زمانی که او با دستگاه متصل به پای خود در خانه محبوس بود، گمان می‌کرد که همچون حیوانی در قفس است. او به این فکر می‌کرد که اگر اکنون در زندان بود بهتر نبود؟» (Arnett, 2018: 400).

در نتیجه، نوجوان محکوم به نظارت در صورت برقراری کنش اجتماعی با همسالان در محیط مدرسه یا جامعه، به عنوان فردی ضدا اجتماعی شناخته شده و برچسب بزهکار یا مزاحم را دریافت می‌کند.

انتقادهای مذکور به‌رغم استحکام، قابل رفع است. امروزه با پیشرفت روزافزون

۱. انتقاد مذکور در موارد کاربست نظارت الکترونیکی در حین تعقیب و دادرسی مشهودتر است؛ زیرا افزون بر این که موجب نقض اصل برائت می‌شود، اصل محرمانه بودن دادرسی را نیز با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

2. Looking Glass Self Model

3. Charles Horton Cooley

4. Chaz Arnett

تکنولوژی، تولید دستگاه‌های کوچک‌تر که از لحاظ حجم و اندازه، قابل قیاس با یک انگشتر هستند، امکان‌پذیر است؛ چنان‌که اکنون در ایران، دستگاه‌های نظارت الکترونیکی (پابند) دارای ابعاد بسیار کوچکی در حد یک موبایل می‌باشند؛ بنابراین با تولید دستگاه‌های کوچک که بدون نیاز به پوشیدن البسه بزرگ، قابل پنهان کردن است، می‌توان از بروز انتقادات مطرح شده جلوگیری نمود. همچنین، هنگام خروج از محدوده تعیین شده، می‌توان به جای استفاده از سیستم‌هایی که به منظور هشدار صوتی به بیرون مخابره می‌نمایند، از سیستم‌های ارتعاشی استفاده نمود.

۲-۱. گسترش شبکه کنترل اجتماعی^۱

جایگزین‌های حبس به طور عام و نظارت الکترونیکی به‌طور خاص، درصدد کاهش جمعیت زندان‌ها و مآلاً کاهش جمعیت درگیر در نظام عدالت کیفری هستند؛ لیکن جایگزین‌های حبس می‌توانند با کارکردی متفاوت موجب گسترش شبکه کنترل اجتماعی شوند. مراد از گسترش شبکه کنترل اجتماعی وضعیتی است که در آن برنامه‌هایی که برای منحرف کردن مجرمان از عدالت کیفری یا تحریم‌های شدید طراحی شده است، کارکردی معکوس داشته و در عمل منجر به این می‌شود که افراد بیشتری تحت مداخلات رسمی قرار گیرند (Shlomo Giora Shoham, Ori Beck, 2007:215 & Martin Kat)؛ بنابراین اطفال و نوجوانانی که در معرض «خطرناک شدن» نیستند و می‌توانند با اقدامات غیر قضایی اصلاح شوند، تحت کنترل نظارت الکترونیکی برچسب منفی دریافت کرده و وارد چرخه جنایی می‌شوند.

این انتقاد با اتخاذ اقداماتی قابل رفع است. برای مثال برخی نویسندگان با بهره‌گیری از انگیزه‌های اقتصادی در صدد محدود کردن شبکه کنترل اجتماعی هستند؛ بدین صورت که عموماً دو سیستم برای پرداخت هزینه‌های نظارت الکترونیکی قابل اعمال است. مطابق سیستم اول که در غالب کشورها مرسوم است، هزینه نظارت بر عهده محکوم و در سیستم دوم، هزینه‌های نظارت بر عهده متولیان اعمال

1. Net Widening

نظریه گسترش شبکه کنترل اجتماعی نخستین بار توسط استنلی کوهن مطرح شد. او برای تبیین مسأله گسترش شبکه کنترل اجتماعی از تمثیل تور ماهی‌گیری بهره گرفت. بدین‌سان، همان‌طور که ماهی‌گیران برای افزایش صید ماهی، مبادرت به بزرگ کردن تور و تنگ نمودن سوراخ‌های آن می‌نمایند، دستگاه عدالت کیفری نیز با توسل به جایگزین‌های حبس، اشخاص بیشتری را وارد چرخه عدالت کیفری نموده و بدین شکل موجب گسترش شبکه کنترل اجتماعی می‌شود.

نظارت است. بر همین پایه، برخی حقوق‌دانان معتقدند کاربست رویکرد دوم که بار هزینه‌های نظارت را بر دوش دولت می‌اندازد، موجب استفاده به‌جا و مناسب از نظارت الکترونیکی و متعاقباً محدود نمودن شبکه کنترل اجتماعی می‌شود (Crump & Catherine, 2019: 826-827).

اقدام دیگری که می‌تواند در مقابله با گسترش شبکه کنترل اجتماعی ثمربخش باشد، تعیین و تنظیم ضابطه‌مند مقررات مربوط به نظارت الکترونیکی است؛ بدین صورت که مقنن با صراحت کامل، جرائم و بزه‌کاران مشمول نظارت الکترونیکی را تعیین و حدود اختیارات و وظایف متولیان نهاد مورد بحث را بیان نماید تا ضمن منحصر نمودن اعمال نظارت در خصوص اشخاص مستحق آن، محکوم‌علیه نیز با کنترل‌های اضافی و نابه‌جای مأموران مواجه نشود (یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ۹۹).

۲. امکان‌سنجی اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران

نظام عدالت کیفری ایران نیز در سه دهه اخیر از تورم جمعیت در زندان‌ها بی‌بهره نبوده است. بارزترین دلیل این امر، تحول قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در خصوص کیفرگذاری است. بدین نحو که در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ برای ۱۰۵ عنوان مجرمانه، کیفر حبس پیش‌بینی کرده بود که این میزان در سال ۱۳۷۵ با افزایشی قابل توجه به ۲۰۶ مورد رسید. این تغییر ناگهانی موجب تورم جمعیت زندان‌ها در واپسین سال‌های دهه ۱۳۷۰ شد (همان: ۱۰۴).

برای رفع این مشکل، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمن بهره‌مندی از جایگزین‌های سستی حبس از قبیل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، قدم در مسیر تحول نهاد و در ماده ۶۲، نظارت الکترونیکی را به عنوان جایگزینی نوین مورد پذیرش قرارداد. رویکردی که به زعم برخی سبب شده است که این قانون در حال شکل دادن جریان «رفاه‌گرایی کیفری»^۱ باشد (صادقی، ۱۴۰۴: ۱۳۳). همچنین مقنن در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری، بر سیاهه جرایم مشمول نظام نیمه آزادی، تعلیق اجرای مجازات و نظارت الکترونیکی

افزود. گام مقنن در سال ۱۳۹۲، با تصویب بند ج ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری تکمیل شد. مطابق بند مذکور، به منظور تضمین اجرای قرار «التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات» بهره‌مندی از سامانه‌های الکترونیکی امکان‌پذیر شد. با این وجود، گرچه اقدام مقنن جهت پذیرش نظارت الکترونیکی شایان توجه است؛ لیکن در خصوص حدود و ثغور اعمال نظارت الکترونیکی ابهاماتی وجود دارد؛ از این رو، تدقیق در ارتباط با نحوه اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان موضوعی است که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود. بدین منظور در گام نخست، امکان‌سنجی تعمیم مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان را در قالب امکان‌سنجی تعمیم ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص اشخاص زیر هجده سال مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس شرایط و چالش‌های اعمال مقررات نظارت الکترونیکی را از نظر خواهیم گذراند.

۲-۱. امکان‌سنجی اعمال مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی

در خصوص امکان اعمال ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی نسبت به طفل و نوجوان، دو رویکرد قابل طرح است. رویکرد نخست به سؤال مذکور پاسخ منفی داده و معتقد بر عدم امکان اعمال سامانه‌های نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان است؛ زیرا ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی «محکومین به حبس» را مشمول نظارت الکترونیکی قرار داده است؛ در حالی که اطفال و نوجوانان به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند؛ دلیل دوم می‌تواند وجود کیفری مشابه در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی باشد. مطابق تبصره ۲ ماده مذکور: «دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند^۱ یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد»؛ از این رو ممکن است چنین تصور شود که در صورت وجود شرایط موجود در تبصره ۲ ماده ۸۹

۱. تأکید از نگارندگان است.

قانون مجازات اسلامی، دادگاه نوجوان را به «اقامت در منزل» که بعضاً توأم با نظارت الکترونیکی است محکوم می‌نماید؛ بنابراین، اعمال ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به عنوان کیفر مستقل در خصوص اطفال و نوجوان امکان‌پذیر نیست. در مقابل، مطابق رویکرد دوم که به زعم نگارندگان مقرون به صواب است، اطفال و نوجوانان مشمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی می‌شوند؛ زیرا:

اولاً مطابق تبصره یک ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، زندان‌ها به بسته، نیمه باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود؛ بنابراین محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مثابه محکومیت به حبس بوده و اطفال و نوجوانان مشمول عبارت «محکوم به حبس» می‌شوند؛

ثانیاً، مطابق قسمت اخیر ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی،^۱ اعمال ماده مذکور مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن‌ها نیست؛ بنابراین مادام که مقنن به عدم امکان اعمال نهادهای ارفاقی تصریح نکرده، سلب کاربست نهادهای مذکور مغایر با رویکرد ارفاقی و امتنانی در خصوص اطفال و نوجوانان است؛

ثالثاً، اقامت در منزل که موضوع تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشد، کیفری مستقل از نظارت با سامانه‌های الکترونیکی است که می‌تواند با استفاده از سامانه‌های مذکور تضمین شود. در این خصوص دستورالعمل «تعیین محدوده مراقبتی محکومان تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» مصوب ۱۴۰۱/۵/۲۹ رئیس قوه قضاییه شایان توجه است. مطابق دستورالعمل فوق، حداقل محدوده مکانی که محکوم امکان تردد دارد، دویست متر از ساختمان محل سکونت است؛^۲ بنابراین

۱. دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن‌ها نیست.

۲. مطابق دستورالعمل مذکور، محدوده‌های مراقبتی عبارت‌اند از: محدوده مراقبتی درجه ۱: محلی با نشانی معین است که فرد تحت مراقبت در آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۲۰۰ متر از ساختمان محل سکونت است. ب) محدوده مراقبتی درجه ۲: محلی که فرد تحت مراقبت در

محدوده مکانی نظارت با سامانه‌های الکترونیکی گسترده‌تر از اقامت در منزل است و دو کیفر مذکور مجزا از یکدیگر هستند.

رابعاً، ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن صرفاً در خصوص نوجوانان ۱۵ الی ۱۸ سال کاربرد دارد؛ در حالی که اطفال و نوجوانان ۱۲ الی ۱۵ سال که به موجب ماده ۸۸ و تبصره‌های آن به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، در صورت وجود شرایط، مشمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی می‌شوند؛ بنابراین، با تحقق سایر شرایط، شمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص اطفال و نوجوانان با منع قانونی مواجه نیست.^۱

در پایان، اشاره به نکته‌ای ضروری است و آن اعمال نظارت الکترونیکی در خصوص اشخاص مشمول نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به موجب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی است. این ابهام بدان جهت است که این نگهداری به عنوان مجازات اعمال نشده، بلکه اقدامی تأمینی و تربیتی است. این اقدامات چنان‌که از نام و ماهیت آن‌ها برمی‌آید، اقداماتی برای تربیت و پیشگیری از جرائم آتی می‌باشند. حال پرسش آن است که آیا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مشمول این اقدامات، می‌تواند مشمول نظارت الکترونیکی شود. به نظر می‌رسد در این مورد نیز با توجه به ذیل ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی که آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی را مجاز دانسته است، بلامانع است.

۲-۲. امکان سنجی اعمال بند «ج» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی

کیفری

استفاده از سامانه‌های الکترونیکی در نظام عدالت کیفری ایران به مرحله

آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۵۰۰ متر از ساختمان محل سکونت وی می‌باشد. پ) محدوده مراقبتی درجه ۳: محلی که فرد تحت مراقبت در آن سکونت دارد و شعاع تردد مجاز در آن حداکثر ۱۰۰۰ متر از ساختمان محل سکونت وی می‌باشد.

۱. رویه قضایی نیز شمول نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان را تأیید می‌نماید. برای مثال مدیرکل استان تهران در یک مصاحبه که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۰ صورت پذیرفت، به آغاز استفاده از نظارت الکترونیکی در خصوص اطفال و نوجوانان اشاره کرده است (به نقل از آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۳: ۱۴۷). همچنین رئیس پلیس آگاهی تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری در تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ که در خصوص استفاده از طرح پابند الکترونیکی در ارتباط با سارقین سابقه‌دار صورت گرفت، خبر از استفاده چهار نوجوان از پابند الکترونیکی در طرح مذکور داد.

صدور حکم یا مجازات اختصاص ندارد، بلکه می‌توان نهاد مذکور را حین تعقیب یا دادرسی به عنوان قرار تأمین کیفری به کار بست؛ بدین نحو که استفاده از ظرفیت‌های الکترونیکی در مرحله تعقیب و دادرسی می‌تواند به عنوان تضمین اعمال قرار تأمین کیفری به کار گرفته شود. به همین منظور استفاده از نظارت الکترونیکی در مرحله تعقیب و دادرسی به عنوان جایگزین قرار بازداشت موقت مورد تأکید حقوق‌دانان است. علت این امر، شایستگی بیش‌تر نظارت الکترونیکی نسبت به قرار بازداشت موقت است؛ زیرا علاوه بر حفظ فرض برائت که مهم‌ترین چالش در خصوص اعمال بازداشت موقت است، متهم با آزادی کامل‌تری، تدارک دفاع از خود را فراهم می‌نماید. علاوه بر این، بازداشت موقت در خصوص نوجوان موجب جدایی او از خانواده‌اش می‌شود که این امر با اصول پذیرفته شده در اسناد بین‌المللی هم‌خوانی ندارد. برای مثال بند ۲ ماده ۱۳ قواعد پکن در این خصوص مقرر می‌دارد: «در موارد امکان، اقدامات جایگزین از قبیل نظارت مستقیم، مراقبت دقیق یا نگهداری در یک خانواده یا محیط آموزشی یا منزل، به جای بازداشت موقت به کار گرفته خواهد شد».

حال، آیا برای نیل به هدف مذکور، بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که متضمن قرار «التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات» است، در خصوص اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود؟ برخی با استناد به ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری و با این استدلال که قرارهای قابل صدور در خصوص طفل یا نوجوان به‌طور خاص احصا شده است، به پرسش فوق پاسخ منفی می‌دهند (مؤذن زادگان، ۱۴۰۲: ۱۶۶)، اما به نظر می‌رسد در پاسخ به پرسش فوق باید میان اشخاص پانزده سال (کمتر) و اشخاص بالای پانزده سال قائل به تفکیک شد. مطابق ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرارهای تأمین کیفری در خصوص اشخاص پانزده سال یا کمتر جایز نیست و حسب مورد صرفاً اقدام «سپردن اشخاص مذکور به والدین، اولیاء، سرپرست قانونی و یا سایر اشخاص حقوقی یا حقیقی که مصلحت بدانند»، مورد شناسایی قرار گرفته است؛ بنابراین به دو دلیل اعمال بند چ ماده ۲۱۷ در خصوص اشخاص مذکور جایز نیست. دلیل نخست تصریح مقنن به

تنها اقدام قانونی قابل اعمال در خصوص اشخاص مذکور است؛ بدین صورت که صرفاً سپردن طفل یا نوجوان به اشخاص مقرر در ماده شناسایی شده است؛ بنابراین اعمال هیچ کدام از بندهای ده گانه ماده ۲۱۷ در خصوص اشخاص پانزده سال و کمتر امکان پذیر نیست. دلیل دوم این که، با توجه به این مسأله که اساساً در خصوص اشخاص مورد بحث، قرار نگهداری در کانون اصلاح و تربیت قابل صدور نیست، اعمال بند چ در خصوص اشخاص پانزده سال و کمتر، به دلیل چالش های نظارت الکترونیکی جایز نیست؛ زیرا مادام که با جایگزین های کم هزینه تر امکان نیل به اهداف قرار تأمین کیفری وجود دارد، اعمال نظارت الکترونیکی که عموماً به عنوان جایگزین حبس به کار گرفته می شود توجیه پذیر نیست.

اما در خصوص اشخاص بالای ۱۵ سال، وضعیت به شکل دیگری است. بدین صورت که اولاً، اگرچه مقنن در قسمت دوم ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، علاوه بر سپردن اشخاص مذکور به والدین، اولیا و سرپرست قانونی، صرفاً اعمال قرارهای کفالت، وثیقه و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را به عنوان قرارهای قابل صدور مقرر نموده؛ لیکن تصریح مذکور از جهت احصاء و حصر قرارهای قابل اعمال نیست؛ بلکه مقنن با ذکر سه قرار مذکور که شدیدترین قرارهای تأمین کیفری هستند، اعمال قرارهای تأمین کیفری در خصوص اشخاص بالای پانزده سال را بلامانع اعلام می نماید؛ به عبارت دیگر، زمانی که قانون گذار قرارهای شدیدی مانند قرار وثیقه و یا نگهداری موقت در کانون را برای اشخاص مورد بحث پذیرفته است، پذیرش قرارهای خفیف تر مانند الزام به حضور با قول شرف قاعدتاً و بر اساس تفسیر در راستای منافع عالی طفل ممکن می باشد. بر این اساس، به نظر اعمال بند چ ماده ۲۱۷ در خصوص این اشخاص بلامانع است؛ ثانیاً، امکان اعمال بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص اشخاص اخیرالذکر با توجه به بند ب ماده ۷ «دستورالعمل سازمان دهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها، رؤسای کل دادگستری استان ها» تقویت می شود. مطابق مقررۀ مذکور، دادستان ها موظف اند با استفاده از ظرفیت های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس تا حد امکان از ورود افراد کمتر از هجده سال به زندان جلوگیری نمایند؛ بنابراین، صدور قرار نگهداری موقت در کانون اصلاح و تربیت در

خصوص نوجوانان باید به عنوان آخرین راه حل به کار گرفته شود. در نتیجه صدور تمام قرارهای تأمین کیفری، از جمله بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در خصوص اشخاص بالای پانزده سال بلامانع است.^۱

۳. امکان سنجی اعمال مقررات ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی

کیفری

مطابق ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اعمال سامانه های نظارت الکترونیکی در خصوص محکومین به حبس منوط به تحقق شرایط تعویق مراقبتی و رضایت محکوم است؛ از این رو در دو بند نحوه احراز شرایط یاد شده در خصوص طفل و نوجوان را بررسی می کنیم.

۳-۱. تحقق شرایط تعویق مراقبتی

در خصوص مفهوم «شرایط تعویق مراقبتی» دو رویکرد میان حقوق دانان ابراز شده است. برخی (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۲۹۵) معتقدند مراد از شرایط تعویق مراقبتی، شرایط مقرر در بند «ب» ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی است که مقرر داشته: «در تعویق مراقبتی افزون بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد». در مقابل، غالب حقوق دانان^۲ معتقدند که مراد از شرایط تعویق مراقبتی، شرایط مقرر در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی است. به نظر، رویکرد دوم با متن قانون هم خوانی بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به تبصره ۱ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی دادگاه برای تعیین تدابیر و دستورهای تعویق مراقبتی در خصوص نظارت با سامانه های الکترونیکی دارای اختیار کامل است. از این رو، پذیرش رویکرد اول که دادگاه را ملزم به اعمال تدابیر و دستورهای مذکور نموده، با تبصره مورد بحث در

۱. در این خصوص ممکن است گفته شود که سایر قرارهای مندرج در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، یعنی قرار کفالت و قرار وثیقه، هدف ماده ۷ دستورالعمل مورد بحث را تأمین می نمایند؛ لیکن این برداشت چندان صحیح نیست؛ زیرا مطابق ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می شود. از این رو، قرارهای مذکور به صورت بالقوه نوجوان را در معرض نگهداری در کانون اصلاح و تربیت قرار می دهند و چندان هدف ماده ۷ دستورالعمل مورد بحث را تأمین نمی کنند.

۲. برای مثال بنگرید به: الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۱۷۷.

تعارض است.^۱

در نتیجه، مراد از شرایط تعویق مراقبتی، شرایط احصاء شده در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، یعنی وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران و فقدان سابقه کیفری مؤثر است. در خصوص اطفال و نوجوانان نیز احراز وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران الزامی است، لیکن با توجه به ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری بوده و احراز شرط فقدان سابقه کیفری مؤثر سالبه به انتفاء موضوع است.

۳-۲. رضایت محکوم

با توجه به ویژگی بارز حقوق عمومی، اصولاً اراده قانون‌گذار در عرصه حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری جایگاهی برتر نسبت به اراده طرفین دعوای کیفری دارد و اصطلاحاً یک سویه است؛ بنابراین اندیشه ابتدایی در اعمال حقوق کیفری با ابتنا به عدالت کیفری سنتی که یک عدالت تحمیلی بود شکل گرفت، لیکن با تحول حقوق کیفری معاصر که متضمن فردی کردن مجازات و انسانی نمودن آن است، قانون‌گذار بر آن شد که در پاره‌ای از مسائل، نظر مجرم را در انتخاب مجازات و اعلام آن دخالت دهد (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۳: ۱۵۶)؛ بدین‌سان در کنار عدالت تحمیلی، عدالت توافقی^۲ نیز به رسمیت شناخته شد و حقوق کیفری که غالباً رویکردی عمودی دارد، اینک در برخی مسائل رویکردی افقی را شناسایی نموده است؛ بنابراین افقی نمودن حقوق کیفری از لحاظ ماهیت بی‌شبهت به قرارداد یا عقد صلح نیست (نیازپور، ۱۳۹۲: ۴۰-۴۱). از جمله مسائلی که ردپای افقی نمودن حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری به وضوح در آن دیده می‌شود، جایگزینی کیفرهای جایگزین با کیفر حبس در صورت موافقت محکوم است.

اعمال نظارت با سامانه‌های الکترونیکی نیز که ماهیتی مداخله‌گر داشته و می‌تواند حریم خصوصی افراد را نقض نماید، نیازمند موافقت محکوم است. از این رو، اعمال نظارت الکترونیکی خواه به عنوان قرار تأمین کیفری و خواه به عنوان

۱. بنابراین، به نظر می‌رسد واژه «مراقبتی» در عبارت «شرایط تعویق مراقبتی» اضافه و زائد است.

2. Contractive Justice

کیفری مستقل، مبتنی بر موافقت محکوم است. در خصوص بزرگسالان که اهلیت آنان با مانعی مواجه نیست، ابهامی در خصوص نحوه ابراز رضایت پدیدار نمی‌شود؛ بدین گونه که محکوم شخصاً با ابراز موافقت خود، موجبات اعمال نظارت را فراهم می‌نماید.

در خصوص اطفال و نوجوان نیز برخی از کشورها، ابراز رضایت در خصوص تحت نظارت قرار دادن طفل یا نوجوان را متوجه اولیای قانونی وی ساخته‌اند. برای مثال قانون کیفری فرانسه در ماده ۶-۲-۱۳۲ اعمال نظارت الکترونیکی نسبت به طفل یا نوجوان را منوط به رضایت اولیای او کرده است، لیکن ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی موضوع مورد بحث را به سکوت برگزار کرده است؛ با این وجود، با توجه به مقررات کنونی به نظر می‌رسد در خصوص نحوه ابراز موافقت، باید میان طفل و نوجوان قائل به تفکیک شد. همان‌طور که پیش‌تر تبیین شد، عدالت توافقی تفاوت چندانی با ماهیت حقوقی قراردادها ندارد؛ بدین نحو که در عدالت توافقی، مقام قضایی و بزهکار به عنوان طرفین قرارداد، هر یک متعهد به انجام یا عدم کاری می‌شوند؛ بزهکار موظف به قانون‌دوستی و عدم ارتکاب جرم بوده و در این مسیر مکلف به انجام برخی اقدامات است و مقام قضایی متعهد به جدایی مجرم از زندان می‌شود.

با توجه به مواد ۱۹۰ و ۲۱۰ قانون مدنی، اطفال به دلیل فقدان اهلیت برای انعقاد قرارداد و متعاقباً فقدان اهلیت برای اظهار رضایت، قادر به ابراز موافقت خود در خصوص اعمال نظارت الکترونیکی نبوده و این اقدام متوجه اولیاء یا سرپرست قانونی آن‌هاست. در مقابل، نوجوان به دلیل بلوغ خویش که اصولاً متضمن اهلیت آن‌ها در امور غیر مالی است، شخصاً قادر به ابراز موافقت خود خواهد بود. در نتیجه، از آنجایی که اعمال نظارت با سامانه‌های الکترونیکی متضمن دخالت در حریم خصوصی اشخاص است، رضایت اولیای نوجوان در خصوص اعمال سامانه‌های مذکور مؤثر نبوده و رضایت شخص نوجوان برای کاربست سامانه‌های مذکور الزامی است.

۴. جرائم مشمول نظارت الکترونیکی

از جمله ویژگی‌هایی که در خصوص جایگزین‌های حبس مطرح می‌شود

«جرم محوری» است. بدین مفهوم که جایگزینی یک کیفر ارفاقی با کیفر حبس تنها در خصوص مرتکبان جرائم خرد که آزادی آنها جامعه را با خطر مواجه نمی‌کند امکان‌پذیر است. این رویکرد با توجه به حالت خطرناک مرتکبان جرائم شدید قابل توجیه است؛ بدین صورت که مطابق عقیده جرم‌شناسان، رهایی برخی از مجرمان از زندان، موجب ناامنی جامعه و متعاقباً ترس شهروندان از ارتکاب جرم علیه آنها می‌شود؛ بنابراین جداسازی مجرمان خطرناک از جامعه که در پرتو رویکرد طردمحوری و با حبس نمودن آنها صورت می‌پذیرد، اقدامی ضروری است.

این استدلال در خصوص مرتکبان جرائم شدید که تحت نظارت الکترونیکی به دامان جامعه بازمی‌گردند نیز صادق است. از این رو، در این بخش درصدد بررسی جرائمی هستیم که در خصوص آنها امکان اعمال آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مقدور است. بدین سبب، در گام نخست، جرائم تعزیری اطفال و نوجوانان و امکان‌سنجی اعمال مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص آنها و در وهله دوم، امکان اعمال مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص مشمولان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بررسی می‌شود.

۴-۱. اعمال مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص جرائم تعزیری

تا پیش از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، صرفاً جرایم تعزیری درجه پنج الی درجه هشت، در صورت محکومیت به حبس و احراز سایر شرایط قانونی، امکان بهره‌مندی از نظارت الکترونیکی را دارا بودند، لیکن با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری، حبس‌های تعزیری درجه دو الی چهار نیز به آن اضافه شدند؛ بدین صورت که مطابق تبصره ۲ ماده مذکور، در خصوص حبس‌های تعزیری درجه دو الی چهار، علاوه بر لزوم شرایط موجود در ماده ۶۲، گذراندن یک چهارم حبس مقرر شده در حکم دادگاه الزامی است.

در خصوص نحوه اعمال مقررات ماده ۶۲ و تبصره ۲ آن در خصوص اطفال و نوجوانان به نظر می‌رسد در صورت ارتکاب جرائم تعزیری درجه پنج و محکومیت به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، طفل یا نوجوان مشمول صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی بوده و صرف احراز شرایط تعویق صدور حکم و رضایت اولیای طفل یا شخص نوجوان برای اعمال نظارت الکترونیکی کافی است، لیکن در صورت

ارتکاب جرائم تعزیری درجه دو الی درجه چهار، ابهامی پدیدار می‌شود. منشأ ابهام مذکور عبارت «حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار» است که ملاک تحقق تبصره دو را محکومیت به حبس‌های مذکور قلمداد نموده است. حال، مراد از «حبس‌های تعزیری»، مجازات قانونی است یا مجازات قضایی؟

در این خصوص دو تفسیر قابل طرح است. در تفسیر نخست، با استناد به تفسیر لفظی از عبارت «حبس‌های تعزیری» و مقایسه عبارت مذکور با عبارت «جرائم درجه پنج الی درجه هشت» که در صدر ماده مقرر شده، ملاک تحقق تبصره را می‌توان مجازات قضایی دانست، لیکن در تفسیر دیگر، به نظر می‌رسد تبصره مذکور در صدد بیان جرایم تعزیری درجه دو الی درجه چهار است؛ بدین صورت که برای جلوگیری از تعمیم اعمال آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی به تمام جرائم تعزیری درجه دو الی درجه چهار حتی اگر فاقد مجازات حبس باشند، از عبارت حبس‌های تعزیری استفاده نموده است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰^۱ و بخشنامه‌های صادره از سوی برخی دادگستری‌ها^۲ نیز تفسیر اخیر را مورد پذیرش قرار داده‌اند. علت پذیرش این نظر آن است که در صورت پذیرش رویکرد نخست، مشکلات حقوقی عدیده‌ای ایجاد می‌شود. برای مثال در صورتی که تبصره ۲ را ناظر به حبس قضایی تلقی نماییم، آنگاه فردی که مرتکب جرم تعزیری درجه چهار شده است و با تخفیف حبس درجه پنج دریافت نموده را نمی‌توان مشمول ماده ۶۲ قرار دهیم؛ زیرا حبس قضایی وی درجه پنج است و مشمول تبصره ۲ نمی‌باشد و جرم ارتكابی نیز از درجه چهار بوده و مشمول ماده مورد بحث نمی‌شود؛ در حالی که اگر همین شخص از تخفیف برخوردار نمی‌شد و متحمل حبس درجه چهار می‌شد یا حتی با تشدید کیفر حبس درجه سه

۱. «با توجه به عبارت در جرایم تعزیری صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مقررات این ماده و سیاق تبصره ۲ الحاقی به آن، منظور از حبس‌های درجه دو، سه و چهار تبصره الحاقی، مجازات قانونی حبس تعزیری درجه دو، سه و چهار است و منظور از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس، گذشت یک چهارم مجازات حبس مندرج در حکم است».

۲. برای مثال می‌توان بخشنامه شماره ۱۰/۲۲۶۲ مورخ ۱۴۰۲/۳/۸ دادگستری استان تهران اشاره نمود که مطابق آن: «... محکومین زیر در صورت اقتضا و احراز شرایط می‌توانند از نظام سامانه‌های الکترونیکی بهره‌مند شوند: الف: جرایم تعزیری درجه (۵) تا درجه (۸) بدون تحمل حبس؛ ب: جرایم تعزیری درجه (۲)، درجه (۳)، درجه (۴) پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس و ...».

دریافت می‌کرد، می‌توانست مشمول نظارت الکترونیکی شود که این امر نمی‌تواند از نظر منطق قانون‌گذاری صحیح باشد؛ لذا پذیرش نظر دوم که فاقد این ایرادها است اولی بوده و در صورتی که طفل یا نوجوان مرتکب جرائم تعزیری درجه دو الی درجه چهار شود، پس از تحمل یک چهارم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت می‌تواند از ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند شود.

۴-۲. امکان‌سنجی اعمال مقررات نظارت الکترونیکی در خصوص مشمولان

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی

ابهام دیگر، امکان کاربست مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص مشمولان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی است. در این خصوص دو موضوع باید مورد بحث قرار گیرد: نخست، در صورت ارتکاب جرائم مستوجب حد یا قصاص از سمت نوجوان و وجود شرایط ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، اعمال نظارت الکترونیکی چه وضعیتی خواهد داشت؟ و دوم، با پذیرش اعمال ماده ۶۲ در خصوص نوجوان مشمول ماده ۹۱، فرد مذکور، مشمول کدام قسمت از ماده ۶۲ می‌شود؛ بدنه یا تبصره ۲؟

در پاسخ به سؤال نخست، دو رویکرد در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند. رویکرد نخست با ابتدا بر ماهیت جرائم مستوجب حد و قصاص، به سؤال مذکور پاسخ منفی می‌دهد؛ بدین مفهوم که با شمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص نوجوان، صرفاً مجازات حد یا قصاص ساقط می‌شود و ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی از قبیل آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات که به نص قانون، در خصوص جرائم تعزیری جعل شده‌اند، به قوت خود باقی است.

رویکرد دوم با تکیه بر جهاتی که در ادامه می‌آید، حکایت از کاربست مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص مشمولان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دارد:

نخست، تبعیت عنوان و ماهیت جرم از مجازات قانونی است. قوانین کیفری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با بهره‌مندی از فقه امامیه، جرائم را بر پایه مجازات آن‌ها تقسیم‌بندی نموده است؛ بدین‌سان، حد یا قصاص به عنوان صفت

برای مجازات به کار می‌رود و استعمال آن در خصوص جرم، کاربردی مجازی است (برهانی و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱: ۴۱)؛ از این رو زمانی از جرم حدی یا مسنوجب قصاص صحبت می‌شود که مجازات آن حد یا قصاص باشد و مادام که به دلیل فقدان درک یا عقل، جرائم مستوجب حد یا قصاص به نوجوان مستند نشده و متعاقباً حد یا قصاص ساقط شود، سخن راندن از جرم حدی یا قصاصی در تعارض با قانون خواهد بود.

دوم، از آنجا که جرائم ارتكابی از سوی طفل یا نوجوان بیش از آن که محصول تفکر باشد، ناشی از تأثر است، رویکرد حقوق کیفری نسبت به طفل و نوجوان رویکردی امتنانی و ارفاقی است؛ بنابراین در صورت شک میان شمول یا عدم شمول نهادهای ارفاقی در ارتباط با طفل یا نوجوان، تردید مذکور باید در راستای منافع عالی طفل و به نفع آن‌ها حل شود.

سوم، مقنن در خصوص بزرگسالان در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تعزیر بدل از قصاص نفس را از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات خارج نموده است و این اقدام نشان از آن دارد که ارفاق‌های مذکور ابتدا شامل تعزیر بدل از قصاص نفس می‌شده است و خروج آن تخصیصی نبوده، بلکه تخصیصی بوده است. بر همین اساس، اعمال نهادهای ارفاقی در خصوص تعزیر بدل از قصاص یا حد، در صورتی که منع قانونی صریح نداشته باشد، در خصوص نوجوانان بلامانع است.

چهارم، نص ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی اعمال نهادهای ارفاقی را به طور کلی در خصوص نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مجاز دانسته است و در این خصوص تفاوتی میان نگهداری بدل از کیفر تعزیری (مانند شلاق و حبس) و نگهداری بدل از قصاص قائل نشده است.

با توجه به آنچه که گفته شد، شمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص مشمولان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و نیز نسبت به اطفال دوازده تا پانزده سال که مرتکب جرائم مستوجب حد یا قصاص شده و مطابق تبصره ۲ ماده ۸۸ به نگهداری کانون اصلاح یا تربیت محکوم می‌شوند بلامانع است.

در خصوص پرسش دوم، با توجه به قسمت اخیر ماده ۹۱ قانون مجازات

اسلامی، راهکار صریح قانونی وجود ندارد؛ بدین صورت که مقنن در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی با بهره‌گیری از سیستم «کیفر احاله‌ای»، بدون این‌که برای هر یک از جرائم مشمول ماده مذکور، مبادرت به تعیین دقیق میزان مجازات نماید، نوع و میزان کیفر مشمولان ماده را به مواد پیشین ارجاع داده است. به همین سبب، اعمال ماده ۶۲ در خصوص مشمولان ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به دلیل عدم رعایت اصل شفافیت در تعیین کیفر»، با دقت کافی همراه نیست، لیکن ضمن تأکید بر اصلاح وضع موجود، می‌توان در این مورد به دو رویکرد برخورد نمود: بر اساس رویکرد نخست، با توجه به عدم شفافیت قانون و رویکرد کلی مقنن که تمامی جرایم نوجوانان را مشمول تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم دانسته است و این امر نشان از قصد مقنن برای اعمال حداکثری نهادهای ارفاقی دارد، می‌توان فارغ از مدت و میزان کانون تعیین شده در حکم، آن را مشمول بدنه ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی و شایسته اعمال نظارت الکترونیکی دانست. رویکرد دوم شمول بدنه یا تبصره ۲ ماده ۶۲ بر اشخاص مشمول ماده ۹۱ را با بهره‌گیری از ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی بررسی می‌نماید. ماده مذکور که در صدد اعمال مجازات تبعی در خصوص برخی از جرائم است، مدت زمان جرائم مشمول مجازات تبعی را در سه بند تعیین نموده است. از این رو، شاید بتوان با توجه به بندهای سه‌گانه این ماده، شمول بندهای ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص نوجوان مشمول ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی را با دقت بیشتری اعمال نمود.

مطابق حالت نخست، با توجه به بند پ ماده ۲۵، جرائمی که مجازات آن‌ها «شلاق حدی و قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر» است با حبس‌های درجه پنج در یک بند قرار گرفته‌اند؛ بنابراین با تعبیر حبس درجه پنج به جرایم درجه پنج، نوجوان مشمول ماده ۹۱، به بند پ ماده ۸۹ محکوم و در صورت تصمیم بر اعمال نظارت الکترونیکی مطابق صدر ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی تصمیم‌گیری می‌شود.

مطابق حالت دوم، جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها «نفی بلد، قطع عضو یا قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه» است، با حبس‌های تعزیری درجه یک الی درجه چهار در بند ب ماده ۲۵ قانون

مجازات اسلامی قرار می‌گیرند. از این رو نوجوان، مشمول بندهای الف و ب ماده ۸۹ شده و بر همین اساس، در صورت اعمال نظارت الکترونیکی، مشمول تبصره ۲ ماده ۶۲ می‌شود.

مطابق حالت سوم، در صورتی که نوجوان ارتکاب جرائم مستوجب حدود و قصاص با مجازات قانونی «حبس ابد و سلب حیات»، اعمال نظارت الکترونیکی به طریق اولی مطابق تبصره ۲ ماده ۶۲ صورت می‌پذیرد. با توجه به اصلاحی بودن برخورد مقنن با جرائم اطفال و نوجوانان و مدل عدالت کیفری اصلاح شده در نظام حقوقی ایران، به نظر می‌رسد اعمال رویکرد نخست اولی می‌باشد.

۵. تخلف از شرایط و دستورات نظارت الکترونیکی و ضمانت اجرای

آن

با قرار گرفتن طفل یا نوجوان تحت نظارت الکترونیکی، وی مکلف است تدابیر و دستورات تعیین شده توسط دادگاه را به موقع اجرا گذارد. با توجه به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که محکوم اوامر و نواهی پیش‌بینی شده در حکم را نقض کند، ضمانت‌اجرای خاصی در خصوص محکوم قابل اعمال نیست. در این خصوص، ماده ۲۴ «آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷»^۱ اتخاذ تصمیم مقتضی حسب مورد به شورای انضباطی زندان یا مقام قضایی ذی‌ربط واگذار کرده است. در خصوص عبارت «تصمیم مقتضی» سه تفسیر قابل طرح است.

مطابق تفسیر نخست، ممکن است گفته شود به دلیل قرار گرفتن مقررات نظارت الکترونیکی در فصل هشتم یعنی فصل «نظام آزادی مشروط»، ضمانت اجرای آزادی مشروط در خصوص نقض شرایط نظارت الکترونیکی قابل اعمال است. این تفسیر با ماهیت نظارت الکترونیکی هم‌خوانی ندارد؛ زیرا هر یک از دو نهاد مذکور دارای شرایط و اهداف متفاوتی بوده که موجب تمیز آن‌ها از یکدیگر می‌شود.

۱. ماده ۲۴ آیین‌نامه: «واحدهای نظارت الکترونیکی، فرد تحت مراقبت را از طریق سما به صورت شبانه‌روزی تحت نظارت قرار داده چنانچه وی برخلاف مقررات یا تعهدات اخذ شده رفتار نماید، مراتب توسط مأمور ناظر جهت اتخاذ تصمیم مقتضی حسب مورد به شورای انضباطی زندان یا مقام قضایی ذی‌ربط گزارش می‌شود.»

تفسیر دوم، استقلال مقام قضایی در اعمال تصمیم است. بدین نحو که با توجه به شدت تخلف ارتكابی و شخصیت محکوم، دادرس دادگاه حسب مورد، می‌تواند دستور افزایش دستورات نظارتی یا کاهش محدوده نظارت الکترونیکی و یا دستور لغو نظارت قضایی و متعاقباً اجرای حبس یا ادامه نظارت الکترونیکی را صادر می‌نماید.

تفسیر و راهکار سوم، اعمال حبس است؛ زیرا عبارت «محکوم به حبس» که در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مقرر شده، دلالت بر صدور حکم محکومیت به حبس پیش از نظارت الکترونیکی دارد؛ بنابراین تخطی از دستورات دادگاه صرفاً منجر به اجرای محکومیت حبس می‌شود.

با توجه به سکوت مقنن در این خصوص، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۵۵۹ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ نیز تفسیر سوم را مورد پذیرش قرار داده است^۱، لیکن اعمال این رویکرد در خصوص طفل یا نوجوان، به دلیل ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها مناسب نیست؛ زیرا همان‌طور که تبیین شد، نقض دستورات دادگاه از سوی نوجوان بیش‌تر از آن‌که ناشی از تفکر و تعمد باشد؛ ناشی از تأثیر و تأثر یا ویژگی‌های شخصیتی اوست^۲. همچنین برخی مواقع، نوجوان با نقض دستورات نظارت الکترونیکی در صدد نقض اهداف نظارت نیست. برای مثال، نوجوانی که به منظور دوری از تنش و درگیری‌های موجود میان خانواده یا والدین، اقدام به خروج

۱. محکوم به حبس که طبق تصمیم دادگاه بر اساس مقررات ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز تبصره ۲ الحاقی ۱۳۹۹ به این ماده (ماده ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار می‌گیرد، به تصریح ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه واحدهای نظارت الکترونیکی به صورت شبانه‌روزی وی را از طریق سامانه سما تحت نظارت قرار می‌دهند و چنانچه برخلاف مقررات یا تعهدات اخذ شده رفتار کند، مراتب توسط مأمور ناظر جهت اتخاذ تصمیم مقتضی حسب مورد به شورای انضباطی زندان یا مقام قضایی ذی‌ربط گزارش می‌شود؛ بنابراین در فرض سؤال که مراتب تخطی محکوم یعنی خروج وی از محدوده مراقبتی به دادگاه اعلام شده است، این موضوع که دادگاه چه تصمیمی باید اتخاذ کند، در قانون و آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه پیش‌بینی نشده است و چنانچه دادگاه خروج محکوم از محدوده مراقبتی را خارج از شمول ماده ۲۵ این آیین‌نامه تشخیص دهد، با لغو تصمیم قبلی خود مبنی بر تحت نظارت قرار دادن محکوم به حبس در سامانه‌های الکترونیکی، دستور اجرای محکومیت حبس در زندان را صادر می‌کند.

۲. مطابق یک بررسی که در آمریکا و با جمعیت آماری محدودی صورت گرفت، بیش از پنجاه درصد نوجوانان، حداقل یک‌بار شرایط نظارت الکترونیکی را نقض کرده‌اند (Weisburd, 2015: 308).

از منزل و مالاً محدوده تعیین شده می‌نماید، بسان فردی که عامداً محدوده را نقض می‌کند، شایسته سرزنش نیست. علاوه بر این، لغو نظارت الکترونیکی در صورت ارتکاب نخستین تخلف منجر به بازگشت نوجوان به کانون اصلاح و تربیت و متعاقباً گسترش شبکه کنترل اجتماعی می‌شود؛ بنابراین در خصوص ارتکاب تخلفات جزئی، اعطای فرصتی مجدد به طفل و نوجوان امری شایسته است. این ارفاق با توجه به ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی نیز قابل توجیه است؛^۱ زیرا نقض دستورات دادگاه از سمت بزهکاران بزرگسال در حین آزادی مشروط، موجبی برای بازگشت ایشان به زندان نیست؛ در حالی که نخستین تخلف نوجوان موجب نگهداری وی در کانون اصلاح و تربیت می‌شود. همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی و مشاوره‌های روان‌شناسی در حین آزادی تحت نظارت با سامانه‌های الکترونیکی می‌تواند به توان بخشی و اصلاح طفل یا نوجوان کمک نماید؛ لذا به نظر می‌رسد موجبی برای نفع تفسیر دوم وجود ندارد و با توجه به اصل تفسیر در جهت منافع عالی طفل به نظر، عقیده دوم اولی است.



۱. ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود».

برآمد

۱- توجه خاص به بزهکاری اطفال و نوجوانان در سطح بین‌المللی به کمتر از یک قرن پیش باز می‌گردد. مولود این توجه خاص نگرش افتراقی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در سطح نظام‌های حقوقی داخلی بوده است. این نگرش افتراقی بدان معنا نبوده که همه مقررات حاکم بر بزهکاری اطفال و نوجوانان از بزرگ‌سالان متمایز شود، بلکه در سطح اصول و قواعد کلی مانند زایش نوع جدیدی از تفسیر مانند تفسیر در راستای منافع عالی طفل می‌باشد. بر این اساس، مقررات اعمالی بر بزهکاری اطفال و نوجوانان در دو دسته عمومات و مقررات خاص کیفری قابل تقسیم می‌باشد. مقصود از عمومات، مقررات ناظر بر بزرگ‌سالان است که به دلیل عدم وجود منع قانونی قابل اعمال بر اطفال و نوجوانان نیز می‌باشد. با این حال، این مقررات اغلب با دید بزرگ‌سالان بزهکار نگارش شده‌اند و به همین جهت اعمال این مقررات بر اطفال و نوجوانان با چالش‌هایی مواجه است. در نظام حقوقی ایران نیز نظارت الکترونیکی در زمره این دسته می‌باشد.

۲- مقاله حاضر پس از بررسی مزایا و معایب اعمال نهاد نظارت الکترونیکی، بر آن بود که مزایای اعمال آن بسیار بیش از معایب آن می‌باشد؛ لذا در صدد بررسی چالش‌های حقوقی اعمال این نهاد ارفاقی بر اطفال و نوجوانان بوده و در نهایت این نتیجه حاصل شد که اعمال این نهاد چه در مقام کیفر و یا قرار تأمین بر نوجوانان فاقد منع قانونی می‌باشد.

۳- در مقام اعمال این نهاد ارفاقی به عنوان راهکاری برای قرار تأمین صادره، به نظر می‌رسد با توجه به آن‌که ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری شدیدترین قرارهای تأمین کیفری از جمله کفالت، وثیقه و بازداشت را برای نوجوانان پذیرفته است، مقنن قصد حصر از این ذکر نداشته و به جهت تفسیر در راستای منافع عالی کودک، آنجا که اقتضا می‌کند دادرس امکان صدور دیگر قرارهای تأمین از جمله بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری و در نتیجه اعمال نظارت الکترونیکی را دارا می‌باشد.

۴- در خصوص نظارت الکترونیکی به عنوان شیوه اعمال کیفر، با توجه به امکان اعمال این نهاد بر حبس و با توجه به تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی

کیفری که حبس را ناظر به نگهداری در زندان دانسته و زندان را اعم از قانون اصلاح و تربیت معرفی کرده است، اعمال این نهاد در خصوص قانون اصلاح و تربیت بلامانع می‌باشد. همچنین با توجه به بلوغ نوجوانان و امکان تصمیم‌گیری در امور غیر مالی، اخذ رضایت از آن‌ها نیز با مانع قانونی مواجه نمی‌باشد. این نهاد ارفاقی بر تمامی مواردی که ناظر بر نگهداری در قانون اصلاح و تربیت است؛ خواه به علت جرمی که در صورت ارتکاب، شخص مسؤول جرم حدی باشد و خواه جرم تعزیری، قابل اعمال است.



فهرست منابع

الف. فارسی

- * ابراهیمی، شهرام و سلطانی فرد، حسن (۱۴۰۳)، «پابند الکترونیک به عنوان شیوه نوین اجرای کیفر حبس؛ از سیاست تقنینی تا قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۶.
- * آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری عمومی (کیفرشناسی نو)، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: جنگل جاودانه.
- * الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۴۰۰)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، چاپ ششم، تهران: میزان.
- * آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، برگردان: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- * برهانی، محسن و لطفعلی زاده، الهه (۱۴۰۱)، تأملات؛ شرحی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (مشمول بر کتاب اول تا چهارم)، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * دانش، تاج‌زمان (۱۳۹۳)، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- * سلطانی، محمدرضا و ازگلی، محمد و احمدنیا آلاشتی، سیامک (۱۳۹۵)، «درآمدی بر نقد نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مزلو»، فصل‌نامه مطالعات رفتار سازمانی، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۷).
- * شیکر، دیوید (۱۳۹۳)، مفهوم و ماهیت مجازات؛ برگردان: حسین آقای جنت‌مکان، چاپ نخست، تهران: جنگل جاودانه.
- * فروغی، فضل‌الله و ایرانی، امیر (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای نظارت الکترونیکی در حقوق کیفری ایران و امریکا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲.
- * فوکو، میشل (۱۳۹۳)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، برگردان: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- * صادقی، آزاده (۱۴۰۴)، «بازآرایی نهادهای رفاهی در خدمت کنترل و تنبیه؛ مطالعه موردی نظام عدالت کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۹،

شماره ۱۳۱.

* نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲)، **توافقی شدن آیین دادرسی کیفری**، چاپ دوم، تهران: میزان.

* محسنی، فرید (۱۳۹۷)، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

* مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد (۱۳۹۸)، **حقوق جزای عمومی: ضمانت اجراهای کیفری**، چاپ نخست، تهران: میزان.

* مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۴۰۲)، **دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان**، چاپ نخست، تهران: سمت.

* مهر، نسرین (۱۳۹۵)، **ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ویلز، در علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری**، چاپ ششم، تهران: سمت.

* یکرنگی، محمد و ایران‌منش، مهدی (۱۳۸۷)، «**کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش‌نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران**»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

ب. انگلیسی

* Arnett, Chas. (2018). **Virtual Shackles: Electronic Surveillance and the Adulthoodification of Juvenile Courts**, 108 J. Crim. L. & Criminology 399.

* Crump, Catherine. (2019). **Tracking the trackers: an examination of electronic monitoring of youth in practice**. UC Davis Law Review, 53(2).

* Fox, R. G. (1987). **Dr schwitzgebel's machine revisited: electronic monitoring of offenders**. Australian and New Zealand Journal of Criminology, 20(3).

* Markus Aloyan. (2020). **Home Confinement in the United States: The Evolution of Progressive Criminal Justice Reform**, Trento Student Law Review.

- * Marvin D. Krohn and Jodi Lane. (2015). **The Handbook of Juvenile Delinquency and Juvenile Justice**, John Wiley & Sons Inc, Wiley-Blackwell.
- * Matt Black and Russell G. Smith (2003), **Electronic Monitoring in the Criminal Justice System**, Trends and Issues in Crime and Criminal Justice series, No.254, Australian Institute of Criminology.
- * Michael, T, Charles (1989), **Research note: juveniles on electronic monitoring**. Journal of Contemporary Criminal Justice, 5(3).
- * Ralph Kirkland Gable & Robert S. Gable. (2005). **Electronic Monitoring: Positive Intervention Strategies**, Federal Probation, vol. 69, no. 1.
- * Rena Coen, Chieh Tung. (2017). **Electronic Monitoring of Youth in the California Justice System**, Berkeley Law, University of California, Samuelson Law, Technology & Public Policy Clinic.
- * Randy R. Gainey; Brian K. Payne; Mike O'Toole. (2000). **"Relationships Between Time in Jail, Time on Electronic Monitoring, and Recidivism: An Event History Analysis of a Jail-Based Program"**, Justice Quarterly 17, no. 4.
- * Sanger, Janine. (2006). **Electronic curfew orders and juvenile offenders**. Police Journal, 79(1).
- * Shlomo Giora Shoham, Ori Beck, Martin Kat. (2007). **International Handbook Of Penology and criminal Justice**, Boca Raton London New York: CRC Press, Taylor & Francis Group.
- * Vaughn, Joseph B. (1989). **"A Survey of Juvenile Electronic Monitoring and Home Confinement Programs"**, Juvenile & Family Court Journal, 40.
- * Weisburd, Kate. (2015). **Monitoring youth: the collision of rights and rehabilitation**. Iowa Law Review, 101(1).